

فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی سال ششم - ویژه نامه نوروز 1405- شماره 25- ص 46-66 بررسی و تبیین مرجعیت قرآن کریم به لحاظ سیاسی

فاطمه صالحی¹

چکیده

یکی از ویژگی‌های قرآن کریم و باورهای بنیادی مسلمانان مرجعیت کلام الهی است که همان جهان شمولی قرآن بوده و از گذشته تا کنون مورد توجه مفسران قرآن پژوه بوده است. مرجعیت قرآن در شمار مبانی مهم تفسیر قرآن است. در قرآن کریم از مباحث و موضوعات مختلفی بحث شده است که نشان از گستردگی و عمق والای معارف آن است. یکی از مباحثی که در قرآن کریم به آن اهمیت خاصی داده شده مباحث سیاسی است. مطالعات انجام شده تا کنون توجه شایسته و بایسته‌ای به موضوع سیاست در قرآن نداشته‌اند. در این مقاله مسائل معطوف به دیدگاه‌شناسی قرآن کریم در باب سیاست، استخراج شدند که برخی از این مسائل شامل مرجعیت سیاسی قرآن، حکومت سیاسی، اندیشه‌ی سیاسی، روابط سیاسی، تفسیر ساختاری سیاست، اصول سیاست خارجی، هدایت سیاسی، ارتباط دین و سیاست، آیات سیاسی، شورا و آزادی سیاسی مورد بررسی قرار گرفتند. با توجه به بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، قرآن کریم سرچشمه مسائل سیاسی است. نتایج نشان داد قرآن کریم، به وضوح در مورد مسائل سیاسی بحث کرده و به ارتباط بین فلسفه سیاسی و اعتقادی اشاره نموده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قرآن کریم مرجعی برای پاسخگویی به نیازهای بشر، مخصوصاً مسائل مختلف سیاسی است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، مرجعیت سیاسی، مرجعیت قرآن

1. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عج) خواهران، بناب، آذربایجان شرقی.

مقدمه

قرآن کریم، یگانه کتاب آسمانی که موصون از خطا و تصرف بشری است، به عنوان مهم‌ترین منبع اندیشه و تفکر اسلامی و آخرین پیام الهی برای هدایت انسان، جایگاه ویژه‌ای در جوامع اسلامی دارد. امروزه افزون بر توجه به محتوای درونی قرآن، به رابطه آن با دیگر علوم نیز پرداخته شده و از چگونگی طرح و بهره‌گیری از قرآن کریم در رشته‌های مختلف علوم انسانی، بلکه علوم طبیعی گفتگو می‌شود. از سوی دیگر، عرصه سیاست و علوم سیاسی به دلیل عجین بودن با اجتماع انسانی و ارتباط با نظم و امنیت و سعادت انسان، برای دانشوران اهمیت ویژه‌ای یافته است و قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت برای همیشه بشر، نمی‌تواند در یکی از مهم‌ترین عرصه‌های زندگی انسان که نقش بسزایی در هدایت و سرنوشت وی دارد، ساکت باشد، چرا که به دلالت صریح آیات الهی، قرآن در همه زمان‌ها و مکان‌ها، هدایت‌کننده‌ی رهروان راه سعادت خواهد بود (قاسمی و بهروزی، 1400). مرجعیت قرآن کریم از جمله ویژگی‌های قرآن است که مورد قبول همگان است. در قرآن کریم از مباحث و موضوعات مختلفی بحث شده است که نشان از گستردگی و عمق والای معارف آن است. یکی از مباحثی که در قرآن کریم به آن اهمیت خاصی داده شده مباحث سیاسی است. مفسرین قرآن تا کنون توجه شایسته و بایسته‌ای به موضوع سیاست در قرآن نداشته‌اند. در میان تفاسیر موجود، آنهایی که به مباحث سیاسی توجه کرده‌اند، بسیار نادرند (کیخواه‌نژاد، 1394). سیاست شناخت، اتخاذ تصمیم تخصصی، پیاده‌سازی بهترین راه و روش برای منافع فردی یا گروهی در برابر چالش‌های احتمالی یا پیشرو است. به عبارت دیگر سیاست فعالیتی اجتماعی است که با تضمین نظم در نبردهایی که از گوناگونی و ناهم‌گرایی عقیده‌ها و منافع ناشی می‌شود، می‌خواهد به یاری زور - که اغلب بر حقوق متکی است - امنیت بیرونی و تفاهم درونی واحد سیاسی ویژه‌ای را تأمین کند. امروزه سیاست موضوع علمی مستقل و یکی از حقایق غیرقابل اجتناب زندگی بشر است. سیاست واژه‌ای عربی است که ریشه آن به معنی «رام کردن اسب» است. این واژه در ادبیات فارسی بعضاً به معنی «اداره کردن» و «چاره کردن» هم آمده است (عسگری، 1396).

فیروزمهر (1398)، مطالعه‌ای با عنوان "مرجعیت علمی قرآن از نگاه استاد مطهری" انجام داد. نتایج نشان داد قرآن در تعیین مبانی، اصول و اهداف علوم مرجعیت دارد، به پرسش‌هایی که علم تجربی از پاسخگویی به آنها ناتوان است، پاسخی روشن می‌دهد و رازهایی را در طبیعت دارد که با پیشرفت علوم قابل فهم می‌گردد و در علوم انسانی - سیاسی مسائل بسیاری را در قالب کلیات مطرح کرده که به روش اجتهاد قابل استنباط است. این تحقیق، با هدف تنقیح مرجعیت قرآن و گستره آن و با روش اسنادی، به توصیف و تحلیل دیدگاه استاد مطهری درباره مرجعیت علمی قرآن پرداخته است. قاسمی (1400)، پژوهشی با عنوان "مرجعیت علمی قرآن

کریم در علوم سیاسی بر اساس لایه‌های وجودی انسان " انجام داد. نتایج این پژوهش نشان داد که ویژگی‌های انسان در قرآن، مانند خلافت الهی انسان، کرامت انسان، توجه توأمان به نیازهای مادی و معنوی، اختیار و حق انتخاب، غایت مندی آفرینش و توجه به لایه‌های وجودی انسان، سیاست را عرصه خلافت الهی معرفی می‌کند و همواره دغدغه کرامت انسان را در مطالعات سیاسی دارد و با رویکرد جامع علوم سیاسی به دنیا و آخرت، اراده انسان و چگونگی آن را نسبت به انتخاب‌های درست و نادرست و حق مشورت در محدوده تعیین شده به رضایت خداوند و رسول او، لایه‌های وجود انسان (قلب، عقل، ظاهر و رفتار) را پوشش می‌دهد.

امروزه، به صورت‌هایی گوناگون، دیدگاه قرآن در باب موضوعات مختلف، از جمله سیاست، و چگونگی طرح و استفاده از قرآن کریم در موضوعات گوناگون علوم انسانی و علوم طبیعی و دقیقه بررسی می‌شود. مسئله مهمی که در نوشتار حاضر در پی بررسی آنیم این است که چگونه به لحاظ نظری و روشی، می‌توان مباحث سیاسی را مستقیم، با تفسیر موضوعی سیاست در قرآن کریم، یا غیرمستقیم، با بسط جستن از مرجعیت علمی قرآن برای دانش سیاسی، از این کتاب آسمانی استنباط کرد و از معرفت قرآن برای تکمیل و بسط دانش سیاسی بهره گرفت. برای این منظور در این مقاله می‌کوشیم، با تبیین چیستی سیاست و به تبع آن دانش سیاسی، وجوه ارتباط آنها را با معارف قرآنی تحلیل و بررسی کنیم. در میان مطالعات انجام شده، آنهایی که به مباحث سیاسی و مرجعیت سیاسی قرآن توجه کرده‌اند، بسیار نادر هستند که این امر امتیاز پژوهش حاضر نسبت به مطالعات قبلی محسوب می‌شود. بر این اساس هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین مرجعیت قرآن به لحاظ سیاسی است.

مفهوم شناسی

مفهوم مرجع و مرجعیت قرآن:

مرجع نوشته‌ای است که برای به دست آوردن اطلاعاتی می‌توان به آن مراجعه کرد. در فرهنگ لغت معین، مرجع یعنی محل رجوع مردم در امور دینی یا دنیوی. مرجعیت قرآن کریم یعنی اثرگذاری قرآن بر علوم و دانش‌های ساخت یافته بشر، که از مباحث مهم فضای علمی در راستای اسلامی سازی علوم به شمار می‌رود. مرجعیت قرآن به این معناست که قرآن دارای بالاترین شایستگی‌های علمی در رفع نیازها و انتظارات علمی به نسبت دیگر منابع علمی می‌باشد. مفهوم مرجعیت در برخی دانش‌ها سابقه طولانی دارد؛ اما اثبات آن درباره قرآن، موضوعی نوپدید است (حسینی رامندی، 1399).

واژه‌ی سیاست و مرجعیت سیاسی قرآن:

سیاست در معنای عام هرگونه راهبرد و روش و مشی برای اداره یا بهتر کردن هر امری از امور، (چه شخصی چه اجتماعی) است؛ و در اصطلاح اموری است که مربوط به دولت و مدیریت و تعیین شکل و مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد. کوشش برای نگهداری یا بدست آوردن قدرت یا کاربرد است قدرت دولت در جهت هدفها و در خواستهای گوناگون (میجانی، 1395). مرجعیت سیاسی قرآن کریم، به معنای اثرگذاری معنادار این کتاب آسمانی در علوم سیاسی است، بنابراین می‌توان در مورد مسائل سیاسی به این کتاب رجوع کرد.

1- مرجعیت سیاسی قرآن

مرجعیت به معنای کشف مسائل موضوع از قرآن است که به صورت تفسیر موضوعی قرآن، پژوهش قرار مرجع می‌گیرد؛ بدین معنا که می‌توان از این منبع معرفتی در حوزه اهداف، مبانی و ... علوم مختلف به‌ویژه علوم انسانی استفاده کرد. در منبع دیگر مرجعیت به این معناست که می‌توان از داده‌ها و اطلاعات قرآن برای تأسیس، تکمیل و تحول علوم انسانی بهره جست، یا به معنای پذیرش حاکمیت قرآن در زمینه نگرش‌های اعتقادی و کنترل کنش‌های انسانی در زمینه حکمت عملی و قرار دادن تلاش‌های علمی انسان در جهت رسیدن به سعادت و کمال حقیقی است؛ به گونه‌ای که روح توحید در ابعاد و جنبه‌های گوناگون دانش بشری حضور داشته باشد. در نظر برخی مرجعیت به معنای سنجش گزاره‌های دانش با قرآن است. به این معنا، باید تمام گزاره‌های یکی از عرصه‌های علوم انسانی در قرآن بیان شده باشد و یا اگر در قرآن نیامده است، با مبانی، متد، محتوا و غایات الهی در تعارض نباشد. معنای دیگر این است که مرجعیت به معنای پاسخگویی قرآن به نیازهای بشر باشد (قاسمی، 1400).

مرجعیت قرآن کریم از جمله ویژگی‌های قرآن است که مورد قبول همگان است. در قرآن کریم از مباحث و موضوعات مختلفی بحث شده است که نشان از گستردگی و عمق والای معارف آن است. از آغاز نزول قرآن کریم به جامعه بشری از سوی خداوند و پیامبر اسلام (ص)، این کتاب تبدیل به اصلی‌ترین و اصیل‌ترین منبعی شد که اندیشمندان مسلمان و دیگر حقیقت‌جویان در جهان در همه جوانب سیاسی، اجتماعی و اخلاقی بدان تاسی جست‌ه‌اند. قرآن کریم بعنوان مهم‌ترین منبع و حیاتی‌دارای منظومه فکری است. قرآن کریم کتاب هدایت است که برای تنظیم امور بشر در تمام ابعاد زندگی نازل شده است از این رو در ابعاد معنوی، و دنیوی با دستوارالعمل‌ها و وضع قوانین عدالت محور راه بشر را روشن کرده و او را به سعادت اخروی و دنیوی رهنمون می‌شود. از این رو قرآن کریم با توجه به احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام همانطور که رابطه انسان را با خدا (مثل شیوه عبادت، دعا و ...) تنظیم می‌کند رابطه انسان‌ها با همدیگر و با طبیعت و حتی رابطه انسان با خود را تبیین و تنظیم می‌کند. از این رو است که قرآن شیوه‌های تربیت انسان، روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی،

مدیریتی و ... را به صورت کلی و راهبردی (و گاهی به صورت جزئی) بیان کرده است (بهشتی، 1399).

مرجعیت قرآن، عبارت است از: اثرگذاری معنی‌دار کتاب خدا بر هر دانش ساخت‌یافته است این اثرگذاری به مثابه منبع، مبنا، حجت یا میزان سنجش بودن برای آن دانش است و می‌تواند به شکل‌های گوناگون بر مبانی، اهداف، موضوع‌ها، محمول‌ها، مسائل، روش‌ها، و نتایج علوم اثرگذار است. براساس تعریف یاد شده، مراد از "مرجعیت علمی قرآن کریم"، لزوماً وضع قوانین در همه‌گزاره‌های مربوط به نیازهای انسان و جامعه در امر قانون‌گذاری نیست؛ بلکه مراد این است که منظومه فکری قرآن کریم دارای یک نظام سازی و سیاست‌گذاری‌ها و کلیاتی است که باید در تنظیم قوانین اسلامی بعنوان قانون اساسی الهیاتی حاکم باشد (قاسمی، 1400).

بنابراین مرجعیت قرآن به معنای اثرگذاری معنادار آن در علوم سیاسی است. در نتیجه روشن شود که قرآن کریم سرچشمه آغاز کلام سیاسی و ایجاد ادبیات سیاسی - اسلامی است.

2- اندیشه‌ی سیاسی در قرآن

اندیشه‌ی سیاسی اسلام گستره‌ی بزرگی را دربر می‌گیرد که شامل آرای حکما و فیلسوفان مسلمان، اندیشمندان اسلام، فقیهان، مفسران و ... است. یکی از مباحثی که در فلسفه سیاسی اسلام، مطرح است، ارتباط عمیق فلسفه سیاسی و اعتقادی می‌باشد. برای این مطلب از آیه ۵۹ سوره نساء استفاده می‌شود. در این آیه آمده است: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر»؛ ای اهل ایمان، خدا و رسول و فرمانداران از طرف خدا و رسول را اطاعت کنید، اگر در امری کارتان به گفتگو و نزاع کشد به حکم خدا و رسول بازگردید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. قرآن کریم، مطابق آیه ۸۹ سوره نحل بیانگر هر چیز می‌باشد، که از مباحث سیاسی نیز بحث کرده است. دین اسلام در عرصه سیاست نیز وارد شده است و ورود به سیاست به این معنی است که قرآن کریم دارای اندیشه سیاسی است. این اندیشه سیاسی دارای دو بخش است، یکی فلسفه سیاسی اسلام و دیگری فقه سیاسی اسلام می‌باشد (واعظی، 1380).

در تفسیر راهنما آمده است: چون اطاعت از خدا و رسول و اولوا الامر یک مساله سیاسی است، مترتب بر ایمان می‌باشد که یک مساله اعتقادی شده است، پس میان مسائل سیاسی و امور اعتقادی رابطه عمیق وجود دارد (هاشمی رفسنجانی، 1379).

بنابراین متون اصیل اسلام نشان می‌دهد که به میزان فراوانی از عناصر و مؤلفه‌های اندیشه سیاسی در قرآن سخن به میان آمده است، به شکلی که می‌توان مطالب مرتبط با اندیشه سیاسی را در این متون در حد یک دائرةالمعارف دانست.

3- حکومت سیاسی در قرآن

یکی از مباحثی که در قرآن کریم به آن اهمیت خاصی داده شده حکومت سیاسی است. مباحثی مانند ضرورت تشکیل دولت و حکومت، روابط بین الملل و ... از مباحثی سیاسی است که در بعضی آیات قرآن آمده است:

از منظر قرآن کریم، دولت امری است که در ذات دیانت نهفته است. حضرت آیت الله مکارم شیرازی می‌فرماید: بعثت انبیاء برای اقامه قسط و عدل است (سوره حدید، آیه ۲۵). دین برای گسستن زنجیره‌های اسارت انسان و تامین آزادی بشر است (سوره اعراف، ۱۵۷). دین برای نجات مستضعفان از چنگال «ظالمان و ستمگران» و پایان دادن به دوره سلطه آنها است؛ بدیهی است این هدف‌های بزرگ بدون تشکیل حکومت امکان پذیر نیست. و اگر دین از سیاست جدا شود بازوی اجرائی خود را به کلی از دست می‌دهد و اگر سیاست از دین جدا گردد، مبدل به یک عنصر مخرب در مسیر منافع خودکامگی می‌شود.

شهید مطهری نیز می‌فرماید: همبستگی دین و سیاست را باید به مردم تفهیم کرد. سید جمال فکر جدایی دین از سیاست را به کلی محکوم کرد که اسلام دین سیاست است. اسلام دین اجتماع است (مطهری، 1368).

یکی از آیاتی که می‌توان برای تشکیل حکومت و دولت به آن استناد کرد آیه ۳۵ سوره ص می‌باشد. در این آیه از قول حضرت سلیمان (علیه السلام) چنین آمده است: «وهب لی ملکاً» یعنی خدایا حکومتی به من عطا کن. یکی از نویسندگان بعد از بیان داستان حضرت سلیمان، ذیل آیه سوره «ص» یکی از نکاتی که ذکر می‌کنند این است که داشتن یک حکومت نیرومند با امکانات مادی فراوان و اقتصاد گسترده و تمدن درخشان هرگز منافاتی با مقامات معنوی و ارزشهای الهی ندارد و این نکته در لابلای داستان حضرت سلیمان عینیت یافته است.

علامه طباطبایی رحمه الله علیه نیز در ذیل آیه ۲۶ سوره آل عمران «قل اللهم مالک الملك تؤتی الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء...»؛ بگو (ای پیامبر): خدایا تو دارای پادشاهی هستی، هر که را خواهی ملک و سلطنت بخشی و از هر که بخواهی می‌گیری. چنین می‌فرماید: «ملک» به ضم میم، که عبارت از سلطنت بر افراد باشد از اعتبارات ضروریه‌ای است که انسان از آن بی‌نیاز نیست. قرآن شریف این مطلب را به نحو تام و کامل در ذیل داستان «طالوت» شرح داده است (تفسیر المیزان، 1377).

در آیه ۲۵۱ بقره که بعد از داستان طالوت آمده است چنین آمده است: «و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض» و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی دفع نمی‌کرد، زمین تباه شده بود. در ذیل این آیه نیز علامه طباطبایی می‌فرماید: نوع بشر بدون اجتماع و همکاری به سعادت کامل خود نمی‌رسد. در حقیقت معنای دفع و غلبه یک معنای عامی است که در همه شئون اجتماعی انسانی سریان دارد و حقیقتش عبارت است از اینکه: شخص، دیگری را به

هر کیفیتی که ممکن باشد وادار نماید که موافق اراده او کار کند. و باید دانست که فطری بودن غلبه و دفع یک اصل عمومی در همه افراد است خواه در حقوق مشروع که با عدالت مقرون می‌باشد و خواه در غیر آنها.

ضرورت تشکیل حکومت؛ یکی از اهداف بعثت انبیاء اقامه قسط و عدل است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»: ما رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند (حدید، آیه 25).

دین برای گسستن زنجیره‌های اسارت انسان و تأمین آزادی بشر است «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد (اعراف، آیه 157).

دین برای نجات مستضعفان از چنگال ظالمان و ستمگران و پایان دادن به دوره سلطه آنها است. «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم، و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم (قصص، آیه 5).

بدیهی است این هدف‌های بزرگ بدون تشکیل حکومت امکان‌پذیر نیست. و اگر دین از سیاست جدا شود بازوی اجرایی خود را به کلی از دست می‌دهد.

بعضی پیامبران الهی با اینکه مقام معنوی و الهی داشتند حکومت هم تشکیل دادند مانند حضرت سلیمان که از خداوند چنین درخواست کرد: «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي» (سلیمان) گفت: پروردگارا مرا ببخش، و حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچکس نباشد (ص، آیه 35).

از این آیه معلوم می‌شود که داشتن یک حکومت نیرومند با امکانات مادی فراوان و اقتصاد گسترده و تمدن درخشان هرگز منافاتی با مقامات معنوی و ارزش‌های الهی ندارد و نشان می‌دهد سیاست و تشکیل حکومت جزء دین است.

بنابراین قرآن مجید تشکیل حکومت را امری ضروری می‌داند و اندیشه سیاسی خویش را در عالی‌ترین شکل ممکن مطرح نموده است، یعنی در نهایت، جهان‌داری صالحان و دولت کریمه اسلامی را، دولت آرمانی و نهایی اسلامی می‌داند: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء، آیه 105).

بنابراین، قرآن کریم تشکیل حکومت را امری ضروری می‌داند و اندیشه سیاسی خویش را در عالی‌ترین شکل ممکن مطرح نموده است، یعنی در نهایت، جهان‌داری صالحان و دولت کریمه اسلامی را، دولت آرمانی و نهایی اسلامی می‌داند.

4- قرآن و روابط سیاسی

اگر جامعه و دولت اسلامی با دولت خارجی اگر چه دارالکفر باشد قرارداد بین‌المللی منعقد کند و آن را امضاء نماید، باید به این قرارداد پایبند باشد و نقض عهد ننماید؛ البته تا زمانی که آنها عهد خودشان را نقض نکرده‌اند. از جمله آیات قرآن در این زمینه، آیه ۴ توبه می‌باشد. در این آیه آمده است: برائت از مشرکین شامل کسانی که با شما مسلمین پیمان بسته‌اند، نمی‌شود؛ زیرا عهدشان را نقض نکرده‌اند و به دشمنان شما هم کمک نکرده‌اند، با آنان تا پایان قراردادشان طبق تعهداتی که سپرده‌اید، عمل نمایید که خداوند متقیان را دوست دارد.

بنابراین در موضوع سیاست خارجه و روابط بین‌الملل، کشور اسلامی، نسبت به مردم و سایر کشورها مسئولیت و تعهد دارد. یعنی اگر دولت اسلامی بر طبق صلاحدید خود و بدون تحمیل و اجبار، با دولتی دیگر یا اشخاص یا شرکت‌های وابسته به کشورهای خارجی قراردادی را به امضاء رسانید باید به عهد و پیمان‌ش عمل کند.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی، ذیل آیات ۸ و ۹ سوره ممتحنه که خداوند می‌فرماید: خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند، چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. تنها شما را از دوستی کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند.

از این آیات یک اصل کلی و اساسی در چگونگی رابطه مسلمانان با غیرمسلمین استفاده می‌شود و آن این است که مسلمانان موظفند در برابر همه گروه و جمعیت و هر کشوری که موضع خصمانه با آنها داشته باشند و برضد اسلام و مسلمین قیام کنند، قطع رابطه کند. اما اگر آنها در عین کافر بودن، نسبت به اسلام و مسلمین بی‌طرف بمانند و یا تمایل به اسلام داشته باشند، مسلمین می‌توانند با آنها رابطه دوستانه برقرار سازند؛ البته در آن حد که با برادران مسلمان دارند و نه در آن حد که موجب نفوذ آنها در میان مسلمانان گردد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۹، ج ۲۴، ص ۳۳).

نکته مهمی که در روابط دولت اسلامی با دولت‌های کافر باید توجه داشت این است که اصل اولیه در روابط مزبور حفظ استقلال امت اسلامی و عدم سلطه کفار بر مسلمین است (امینی، 1367).

این نکته از آیه ۱۴۱ سوره نساء صراحتاً فهمیده می‌شود، آنجا که می‌فرماید: «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» و خداوند تا لید اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر مؤمنان داشته باشند. در نتیجه می‌بینیم در آیات متعددی از قبول ولایت کفار نهی می‌کند و

چنین می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الکافرین اولیاء من دون المؤمنین» ای کسانی که ایمان آوردید به جای مؤمنان، کافران را ولی خود قرار ندهید (نساء، آیه 144). در تف سیر راهنما ذیل این آیه آمده است: چنانچه «ولی» به معنی سرپرست باشد جمله «لا تتخذوا» دلالت بر حرمت پذیرش کافران دارد و «من دون المؤمنین» حکایت از ضرورت تشکیل و پذیرش حکومتی بر پایه ایمان دارد. آیه دیگری که همچنین در این رابطه وجود دارد، آیه ۲۸ سوره آل عمران است. در این آیه نیز آمده است: «لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین»؛ مؤمنین به هیچ بهلنه‌ای نباید کفار را ولی و سرپرست خود بگیرند (هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۲۵).

علامه طباطبایی رحمه‌الله علیه ذیل این آیه می‌فرماید: اگر ما کفار را اولیای خود بگیریم، خواه ناخواه با آنان امتزاج روحی پیدا کرده‌ایم، امتزاج روحی هم ما را می‌کشد. شلند به اینکه رام آنان شویم و از اخلاق و سایر شئون حیاتی آنان متأثر گردیم (علامه طباطبایی، تف سیر المیزان، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۳۶).

آنچه گفته شد در مورد رابطه با کفار بود، اما در برابر سایر دولت‌های اسلامی، باید مطابق آیه ۹۲ سوره انبیاء عمل کرد، زیرا در این آیه آمده است: «ان هذه امتکم امه واحده». مرحوم طبرسی می‌فرماید: یعنی دین شما، دین واحد است (الطبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۱۱۱). پس اگر دین همه مسلمین، واحد است، و همه به سوی یک هدف مشترک حرکت می‌کنند و آن پرستش خدای یگانه است، نباید از ارتباط با یکدیگر اجتناب کنند. «لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» (ممتحنه، آیه ۸).

خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند، چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. در تفسیر نمونه ذیل این آیه چنین آمده: از این آیات یک اصل کلی و اساسی در چگونگی رابطه مسلمانان با غیر مسلمین استفاده می‌شود، نه تنها برای آن زمان که برای امروز و فردا نیز ثابت است، و آن اینکه مسلمانان موظفند در برابر هر گروه و جمعیت و هر کشوری که موضع خصمانه با آنها داشته باشند و بر ضد اسلام و مسلمین قیام کنند، یا دشمنان اسلام را یاری دهند سرسختانه بایستند، و هر گونه پیوند محبت و دوستی را با آنها قطع کنند. اما اگر آنها در عین کافر بودن نسبت به اسلام و مسلمین بی‌طرف بمانند و یا تمایل داشته باشند، مسلمین می‌توانند با آنها رابطه دوستانه برقرار سازند البته نه در آن حد که با برادران مسلمان دارند، و نه در آن حد که موجب نفوذ آنها در میان مسلمین گردد (مکارم شیرازی، تف سیر نمونه، ج 24، ص 33).

دسته مهمی از آیات قرآن در مورد رابطه مسلمانان با کفار و نهی از دوستی با آنها می باشد که این آیات هم مربوط به امر سیاست اسلام است و رابطه و دوستی نداشتن با کفار را مورد تاکید قرار می دهد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» ای ک سانی که ایمان آوردید به جای مؤمنان، کافران را ولی خود قرار ندهید (نساء آیه 144).

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» و خداوند تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر مؤمنان داشته باشد (همان، آیه 141).

علامه طباطبایی ذیل این آیه می فرماید: اگر ما کفار را اولیای خود بگیریم، خواه ناخواه با آنان امتزاج (ارتباط) روحی پیدا کرده ایم، امتزاج روحی هم ما را می کشاند به اینکه رام آنان شویم و از اخلاق و سایر شئون حیاتی آنان متأثر گردیم (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 3، ص 236).

بنابراین از این دسته آیات و آیات دیگر که همراهی دین و سیاست را ثابت می کند نتیجه می گیریم که:

دین مجموعه ای از اندرزها و نصایح و یا مسائل مربوط به زندگی شخصی و خصوصی نیست، دین مجموعه ای از قوانین حیات و برنامه فراگیری است که تمام زندگی انسانها مخصوصاً روابط سیاسی و اجتماعی را در بر می گیرد و اگر پیامبر اسلام ص موفق شد این آئین آسمانی را با سرعت در جهان گسترش دهد دلیل آن این بود که در اولین فرصت دست به تاسیس حکومت زد، و از طریق حکومت سیاسی - اسلامی هدفهای الهی را تعقیب نمود و بعضی از پیامبران دیگر که نیز چنین توفیقی یافتند، بهتر موفق به نشدند دعوت الهی خود شدند، اما آنها که در تنگنا قرار گرفتند و شرایط به آنها اجازه تشکیل حکومت نداد موفق به کار زیادی نشدند (تفسیر نمونه، ج 15، ص 420).

5- تفسیر ساختاری سیاست در قرآن

تفسیر بنایی یا ساختاری از گونه های جدید تفسیر قرآن کریم است، که به نظر می رسد قدمت چندانی نداشته باشد. محمد عبده از بنیان گذاران این رویکرد معرفی شده است. همچنین، شاگرد وی، رشید رضا، کوشیده است در تفسیر المنار راه استاد خویش را ادامه دهد. محققان دیگری نیز در این زمینه آثاری ارائه کرده اند. از نظر ایشان یکی از ابعاد شگفت انگیز قرآن کریم تناسب آیات آن با یکدیگر است، به طوری که هر خواننده متفکر با قرائت قرآن و دقت در آیات یک سوره - چه کوچک و چه بزرگ - به نظم و ارتباط شگفت انگیز آیات آن با یکدیگر پی می برد. در این رویکرد، توجه به مسائل سیاسی و اجتماعی در کانون توجه قرار دارد، چنان که به نظریه پردازان رویکرد ساختاری، همچون محمد عبده و رشید رضا و بعدها سید قطب، دغدغه های سیاسی - اجتماعی را مورد توجه قرار داده اند و از جمله نظریه پردازان

احیای فکر اسلامی و اندیشه سیاسی معاصر عرب نیز محسوب می‌شوند (شیرخانی و همکاران، 1400). بنابراین دغدغه اصلی تفاسیر ساختاری سیاست در قرآن کریم فهم ایده اصلی سوره‌های قرآن است.

6- اصول سیاست خارجی در قرآن

مطالعه و بررسی اصول سیاست خارجی اسلام از دیدگاه قرآن کریم بر مفروضات چندی استوار است، که بدون توجه به آنها بحث از سیاست خارجی اسلامی ناتمام به نظر می‌رسد، مهم ترین این مفروضات را در محورهای زیر می‌توان تلخیص کرد (مرتضوی و تبریزی، 1397):
طرح اصول سیاست خارجی اسلام از منظر قرآن مستلزم آن است که رابطه دین و سیاست مفروض انگاشته شود. در چارچوب اندیشه جدایی دین و سیاست زمینه‌ای برای طرح این بحث باقی نخواهد ماند.

سیاست خارجی یکی از بخش‌های اساسی سیاست در معنای کلان آن است، بنابراین اگر دین در مسائل سیاسی اندیشه نموده طبیعتاً در مسائل سیاست خارجی نیز اندیشیده است. سیاست خارجی مجموعه‌ای از مسائل سیاسی مرتبط به حوزه خارجی است و از دو بخش نسبتاً ثابت و متغیر برخوردار می‌باشد. قسمت ثابت آن، بیانگر چارچوب کلی سیاست گذاری خارجی است که خط مشی‌ها و استراتژی‌های سیاست خارجی در درون آن تنظیم می‌گردد؛ این بخش عمدتاً مبتنی بر آموزه های نظری و نظام ارزشی و ایدئولوژی حاکم است. عناصر متغیر سیاست خارجی ناظر به خط مشی‌هایی است که متناسب با اوضاع و شرایط تنظیم و تدوین می‌گردند. اسلام دو بخش ثابت و متغیر دارد: ثابتات آن ناظر به اصول و مبانی کلی رفتار دینداران است و در طول زمان بقا و ماندگاری دارد، اما جنبه متغیر آن از عرف و ضرورت های زمانه تأثیر می‌گیرد. بخش متغیر سیاست خارجی به این جنبه برمی‌گردد، چرا که در شرایط و مقتضیات زمانه تغییر مشی می‌دهد؛ بنابراین اندیشه دینی در مورد مسائل سیاسی و مدیریت اجتماعی در حیطه طرح کلیات و اصول محدود می‌گردد.

مسائل روابط بین الملل و سیاست خارجی به شکل امروزی و در قالب یک سیستم آکادمیک و منسجم محصول قرون اخیر به خصوص دوره پس از جنگ جهانی دوم است؛ اما برخی مسائل آن، نظیر مراودات خارجی و مسائل جنگ و صلح به قدمت تاریخ بشر سابقه دارد. چنین نگرشی طرح بحث سیاست خارجی اسلامی را تبیین می‌کند، زیرا به گفته ((هالستی)) اگر یکی از مهم ترین مسائل روابط بین الملل را مطالعه دو پدیده جنگ و صلح بدانیم، مطالعه مسائل بین الملل به دوره های قبل از میلاد باز می‌گردد.

همان گونه که اشاره شد، مقصود از اصول سیاست خارجی مجموعه‌ای از آموزه های دینی است که چارچوب کلان سیاست خارجی دولت اسلامی را شکل می‌دهد. این مجموعه از نوعی خصلت

ثبات و ماندگاری برخوردار است و از نظر تف سیری بر دیگر مسائل سیاست خارجی حکومت دارد. یکی از پژوهشگران مسلمان در تعریف اصول سیاست خارجی می گوید: مقصود از اصول سیاست خارجی، مبادی و اساس روابط خارجی دولت اسلامی است که منابع دینی آنها را به عنوان چارچوب و اساس تنظیم روابط خارجی مطرح می کند (روشن ضمیر و ریحانی، 1398). شاید از میان اصول سیاست خارجی اسلام، اصل دعوت یا جهاد این اصل بیش از همه حایز اهمیت بوده و بیشتر از دیگر محورها مورد بحث و مناظره قرار گرفته است. احتمالاً یکی از جهات اهمیت این اصل، آن است که ماهیت روابط خارجی از دیدگاه اسلام را تبیین می کند. مناظرات دامنه دار درباره اصل دعوت و جهاد سبب شد از هر دو اصل تحت یک عنوان یاد کنیم، زیرا آن گونه که برخی از پژوهشگران مسلمان گفته اند اگر تنها به ذکر عنوان دعوت اکتفا گردد، دیدگاه های موجود درباره اصل جنگ یا صلح در روابط خارجی اسلام نادیده انگاشته می شود و اگر اصل را بر جهاد و جنگ مشروع بگذاریم طرح عنوان اصل دعوت ناتمام خواهد ماند (مرتضوی و تبریزی، 1397).

بنابراین اصول سایت خارجی در قرآن ناظر به رفتار خارجی دولت اسلامی است و روابط خارجی مسلمانان با جوامع غیر اسلامی را تنظیم می کند. در نتیجه قرآن کریم مشتمل بر مسائل اعتقادی و اجتماعی و سیاسی است و از برخی آیات آن می توان اصول سیاست خارجی اسلام را استخراج کرد.

7- هدایت قرآنی در سیاست

گستره ژرف و چندلایگی آیات قرآن، فرصتی گسترده برای تبیین ها و برداشت های گوناگون فراهم آورده و آنچه در ادامه می آید، تنها یک برداشت و خوانش از متن قدسی است. در این قسمت تلاش می شود با تکیه بر مختصات «فهم اجتهادی» و با استفاده از تفاسیر موجود، برخی گزاره های قرآن کریم را درباره عناصر و مولفه های سیاسی، استخراج کنیم. آزادی همراه با مسئولیت پذیری:

طبق یکی از تعاریف، آزادی سیاسی عبارت است از رهایی فرد از دخالت دولت برای انجام یک عمل سیاسی و یا برخوردار بودن از یک حق اساسی. هر فرد در زندگی سیاسی آنگاه از صف آزادی سیاسی برخوردار است که برای انجام فعالیت های سیاسی از دخالت دولت آزاد باشد و یا دولت حقوق اساسی وی را به رسمیت بشناسد (شایسته و شعاعی، 1397).

بر اساس آیه سوم سوره انسان «انا هدیناه السبیل إلی ما شاکراً وإلی ما کفوراً؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس»، می توان برداشت کرد که از دیدگاه قرآن کریم، انسان به دلیل برخورداری از آگاهی فطری به خوبی و بدی، موجودی مختار و انتخابگر آفریده شده؛ در جایگاه خلیفه اللهی قرار گرفته و در نتیجه می تواند در طبیعت تصرف کند.

بر اساس آیه سوم سوره انسان «انا هدیناه السبیل إِمَّا شاکراً وِإِمَّا کفوراً؛ انسان اگرچه آزادی سیاسی دارد اما طبق آیه ۳۶ سوره اسراء، در برابر همه رفتارها و گفتارهای^{۱۷} اش در عرصه سیاسی اجتماعی، مسئول است. به این ترتیب، چنین انسانی، به عنوان فاعل آزادی سیاسی به^{۱۸} رسمیت شناخته می‌شود؛ اما آنچه از نگاه قرآن کریم اهمیت دارد این است که انسان اگر چه با چنین ویژگی^{۱۹} هایی برخوردار از آزادی سیاسی است اما این آزادی همراه با عنصر مسئولیت‌پذیری است: «ولا تقف ما لیس لک به علم ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنہم سئولاً؛ و از آنچه که به آن علم نداری پیروی نکن، زیرا گوش و چشم و دل، از همه اینها سوال می^{۲۰} شود» (اسراء/۳۶).

عدالت سیاسی و موضوع قسط:

عدالت سیاسی از منظر قرآن کریم تا به آنجا مورد تاکید است که با مفهومی به نام قسط و رسالت انبیا برای اقامه آن تشریح می^{۲۱} شود. در آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید آمده است: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شنا سایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

بنابراین، انسان اگرچه آزادی سیاسی دارد اما بر طبق آیات قرآن در برابر همه رفتارها و گفتارهای^{۲۲} اش در عرصه سیاسی اجتماعی، مسئول است و این امر به هدایت سیاسی قرآن کریم اشاره دارد.

8- قرآن کریم و شورا

قدیمی‌ترین شیوه‌های مدیریت و زندگی اجتماعی انسانها، نمودهایی از نظام شورایی به همراه دارد، حتی مستبدترین حکومت‌ها سعی بر آن داشته‌اند که با استفاده از شورا، از یک سو مردم را قانع و وادار به سکوت نمایند و از سوی دیگر از حجم اشتباهات مبتنی بر خودکامگی‌ها و خودمحوری‌ها بکاهند (اکبری و همکاران، 1398).

از جمله آیاتی که برای این موضوع می‌توان به آن استناد کرد آیه 38 سوره شوری می‌باشد که می‌فرماید: وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» و امورشان در بینشان به مشورت صورت می‌گیرد. حضرت آیت الله مکارم در ذیل این آیه می‌گوید: یک انسان هر قدر از نظر فکری نیرومند باشد، نسبت به مسائل مختلف تنها از یک یا چند بعد می‌نگرد، اما هنگامی که مسائل در شوری مطرح گردد و عقل‌ها و تجارب به کمک هم بشتابند، مسائل کاملاً پخته و کم‌عیب و نقص می‌گردد.

آیه دیگر، آیه 159 آل عمران می‌باشد. در این آیه شریف آمده است: «و شاورهم فی الامر» و در کارها با آنها مشورت کن. حضرت آیت الله مکارم در ذیل این آیه نیز می‌فرماید: گرچه کلمه «الأمر» مفهوم وسیعی دارد و همه کارها را شامل می‌شود ولی مسلم است که پیامبر هرگز در احکام الهی و قانون گذاری مشورت نمی‌کرد بلکه در آنها صرفاً تابع وحی بود. بنابراین در قرآن کریم برای اداره دولت اسلامی شوراها پیش بینی شده است، به طوری که شورا ستون فقرات نظام سیاسی اسلام محسوب می‌شود.

9- ارتباط دین و سیاست در قرآن

یکی از نکات مهم در حوزه مباحث سیاسی و اجتماعی، بررسی رابطه بین «دین» و «سیاست» است و در این باره، نظرات گوناگونی از تباین تا تلازم مطرح شده است. نوع تعریف از دین و تحدید و توسعه دامنه دخالت آن در اجتماع، در بررسی این مهم نقش اساسی دارد. در نگاه قرآن و سنت، میان دین اسلام و برپایی حکومت، تلازم وجود دارد و این تلازم در آرای علامه طباطبایی به عنوان یک مفسر شیعی و سید قطب به عنوان یک مفسر اهل سنت، قابل رویت است. گروهی از کشورهای اسلامی برای تحصیل یا کارهای تجاری یا سیاحت به فرنگ رفته بودند، تفکر جدایی دین از سیاست را به عنوان ارمان به شرق اسلامی آوردند، بی آن که تفاوت‌های عظیمی که میان اسلام ناب و مسیحیت تحریف یافته وجود داشت، درک کنند... ولی خوشبختانه این توطئه مؤثر واقع نشد و تفکر تأسیس حکومت اسلامی در بسیاری از کشورهای مسلمان دنیا، در قاره آسیا و آفریقا به عنوان یک تفکر زنده و نجات بخش درآمد (میرجلیلی و همکاران، 1401).

با یک تحلیل عقلی می‌توان گفت: ارتباط دین با سیاست، همانند «ارتباط قرآن با خداست». همانند ارتباط رسول خدا با قرآن است. همانند ارتباط آیات قرآن با آیات قرآن و ارتباط امامان با قرآن می‌باشد و جدایی تصور ندارد. اسلام تمام قضایای مربوط به دنیا، مربوط به سیاست، مربوط به اجتماع، مربوط به اقتصاد، تمام قضایای مربوط به آن طرف قضیه که اهل دنیا از آن بی‌اطلاع اند حکم دارد. همه احکامش، یک احکام مخلوط به سیاست است، نمازش و حجش و زکاتش و اداره مملکت و خمسش مخلوط با سیاست است. اسلام، احکام اخلاقی‌اش هم سیاسی است. همین حکمی که در قرآن هست که مؤمنین برادر هستند، این یک حکم اخلاقی و اجتماعی و سیاسی است (ملکی، 1398).

بسیاری از احکام عبادی اسلام منشأش خدمات اجتماعی و سیاسی است. عبادت‌های اسلامی اصولاً همراه با سیاست و تدبیر جامعه است. اسلام، دین سیاست است، دینی است که در احکام او، در موافق او سیاست به وضوح دیده می‌شود. پس با ادله نقلی و عقلی می‌توان ارتباط بین دین و سیاست را بیان کرد. هم از ظاهر آیات، پیوند دین و سیاست به دست می‌آید و هم با یک

تحلیل عقلی به دست می‌آید که لازمه احکام اجتماعی قرآن، تشکیل حکومت، و آن جزء با تشکیل حکومت دینی، اهداف دین محقق نمی‌شود (موسوی، 1399).

بنابراین درباره ارتباط بین رابطه دین و سیاست از دیدگاه قرآن مطالب فراوانی وجود دارد و اسلام از نظر اصول و فروع و تاریخ با مسئله سیاست آمیخته است.

10- آیات و سوره‌های سیاسی قرآن

با توجه به موضوع علم سیاست که نوعی مصلحت و دوراندیشی در اداره و تدبیر امور جامعه و مردم است، باید گفت آیات زیادی در این زمینه وجود دارد. در زمینه رعایت عدل و قسط، حکومتداری، ارزش گذاری، رابطه با مؤمنان، رابطه با غیرمؤمنان، رابطه با حاکم و رهبر، اجرای حدود و احکام قضایی، موضوعات تربیتی، تغذیه، امور معیشت، و ... در قرآن آیات متعدد وجود دارد که مجال شمارش آنها نیست؛ لذا بطور موردی اشاره می‌شود: بعثت انبیاء برای اقامه قسط و عدل: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند (حدید، 25).

برائت و دوری از مشرکان: «وَإِذْ نَادَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ»؛ و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر [روز عید قربان] که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند (توبه، 3).

حفظ استقلال امت اسلامی و عدم سلطه کفار بر مسلمین: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است (نساء، 141).

مشورت و عقل جمعی: «وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»؛ و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنها است (شوری، 38).

«وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»؛ و در کارها با آنها مشورت کن (آل عمران، 159).

اطاعت از خدا و رسول و اولیای الهی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَطِيعُوا أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر او! و صیای پیامبر را! و هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آن‌ها داوری بطلبید) (نساء، 59).

انتخاب رهبر و فرمانروا: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ... إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ و پیامبرشان به آنها گفت: «خداوند (طالوت) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است. ... «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، و سعت بخشیده است.

خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد و احسان خداوند، وسیع است و (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است» (بقره، 147).

کافران و بیگانگان را دوست قرار ندهید: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند (آل عمران، 28).

جایگاه و نقش رهبر: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ لِنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم (اسراء، 71).

آیات سیاسی در قرآن زیاد است در ادامه به ذکر چند آیه دیگر بسنده می‌شود:

1) به م‌سلمانان فرمان می‌دهد که بیگانگان را محرم‌السرار خود قرار ندهید (آل عمران 3 آیه، 28).

2) در مقابله و مواجهه با مخالفان، ده فرمان صادر می‌کند (نحل 16، آیات 125-128).

3) فرمان می‌دهد: با قوم طرح دوستی نریزید (ممتحنه، آیه 13).

4) از مداهنه و سازش کای با غیر خودی که روش بازیگران سیاسی است، جلوگیری می‌کند (قلم، آیات 8 و 9).

5) می‌پذیرد حکومت برای حفظ نظام، جاسوس و اطلاعاتی داشته باشد (حجرات، 12).

6) نقش رهبر را در زندگی بیان می‌کند (اسراء، 71).

بالاخره همه آياتی که درباره حکومت و حاکم نازل شده است و به قول استاد مرحوم محمد تقی شریعتی سوره مائده همه حوادثی را که پیامبر از آنها می‌ترسید، در بر دارد. اگر اسامی امت‌ها و ملل مختلف را کنار بگذاریم، درست با جامعه م‌سلمان بعد از رحلت انطباق کامل دارد (شریعتی، خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت، ص 41).

بنابراین بیشتر آیات سوره نساء، آل عمران، مائده و ... جنبه‌ی سیاسی دارند و درباره خلافت حضرت علی و کارشکنی و مخالفت خلفای راشدین و پیروان آنان نازل شده است.

11- آزادی سیاسی در قرآن

مؤلفه نخست آزادی سیاسی را می‌توان از سان با ویژگی‌های مختار، انتخابگر و خلیفه خداوند دانست. قرآن کریم انسان را بدلیل برخورداری از ویژگی‌های مذکور فاعل آزادی سیاسی دانسته، برای وی آزادی سیاسی را به رسمیت شناخته است. از نگاه قرآن انسان موجودی مختار آفریده شده است. انسان از آنجا که نسبت به خوبی و بدی شناخت فطری دارد، مختار بوده، بر پایه این شناخت فطری می‌تواند مسیر در ست زندگی خود را انتخاب نماید. و از آنجا که انتخاب‌گری مذکور به طور کلی در دو حوزه فردی و اجتماعی امکان پذیر می‌باشد، می‌توان گفت که قرآن کریم در دو حوزه فردی و اجتماعی انسان را با چنین ویژگی‌هایی مورد توجه قرار داده است. به

دیگر سخن، قرآن کریم به هنگام بیان ویژگی های مذکور میان دوحوزه مذکور تمایزی ایجاد نکرده است، در نتیجه می توان از انسان را فاعل آزادی هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی در نظر گرفت و بدین ترتیب، در مقام استنتاج مؤلفه نخست آزادی سیاسی، بر اساس تعمیم مذکور عمل کرد (میراحمدی، 1391).

در قرآن کریم از یک سو، پس از سوگند به خورشید و ماه و روز و شب، آسمان و زمین به جان آدمی سوگند یاد کرده، می فرماید:

"فألهمها فجورها وتقویها؛ پس فجور و تقوی (شروخیر) را به او (انسان) الهام کرده است." (شمس/8). از سوی دیگر، به دلیل برخورداری از این ویژگی، او را موجودی انتخاب گر معرفی می کند:

"آنا هدیناه السبیل إماما شاکراً وإماما کفوراً؛ ما راه را به اونها دادیم، خواه شاکر باشد (وپذیرا گردد) یا ناسپاس." (انسان/3).

از نظر قرآن کریم موانع آزادی سیاسی را به دو دسته بیرونی و درونی می توان تقسیم کرد. مهمترین موانع بیرونی آزادی سیاسی انسان ها، "ارباب"، "مستکبران" و "طاغوت ها" می باشند. از این زاویه، مهمترین مانع آزادی سیاسی انسان ها، افرادی هستند که خود را "ارباب" دیگران دانسته، بر آنها به عنوان "طاغوت" مسلط می گردند. به همین دلیل، قرآن کریم سلطه این افراد را نامشروع تلقی کرده، پرهیز از آنان را درخواست نموده است. از این رو، خطاب به اهل کتاب می فرماید:

"قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد إلا الله ولا نشکر به شیئاً ولا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله فإن تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون؛ بگو ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که بین ما و شما یکسان است بایستیم، که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچ گونه شریکی نیافریم و هیچ کس از ما دیگری را به جای خداوند ارباب نگیرد و اگر رویگردان شدند، بگویید شاهد باشید که ما فرمانبرداریم." (آل عمران/64).

بر اساس این آیه هیچ انسانی نمی تواند خود را ارباب دیگری دانسته، بر او مسلط گردد. اهمیت این مسأله در این آیه به اندازه ای است که آن را در برابر دعوت به خداوند قرار داده، پذیرش ارباب را شرک به خداوند معرفی نموده است.

در برخی دیگر از آیات قرآن کریم، تعبیر "استکبار" بکار رفته است. از نگاه قرآن کریم یکی دیگر از موانع آزادی مردم در زندگی سیاسی اجتماعی، وجود مستکبرانی است که بر مردم سلطه ایجاد می کنند. قرآن کریم درباره علت سلطه فرعون و بزرگان قومش بر قوم خود به روحیه استکباری آنان اشاره کرده، می فرماید:

"ثم ارسلنا موسی و اخاه هارون بایاتنا و سلطان مبین. الی فرعون وملاته فاستکبروا و کانوا قوما عالین؛ سپس موسی و برادرش هارون را با معجزات و برهان روشن به سوی فرعون و بزرگان

قومش فرستادیم ولی آنان گردنکشی کردند و مردمی بودند که بر دیگران سلطه یافته بودند." (مومنون/45-46).

درآیه دیگری، مانع آزادی سیاسی انسان را طاغوت معرفی می‌کند:

"ولقد بعثنا فی کل امة رسلًا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت؛ ودر حقیقت درمیان هرامتی فرستاده ای برانگیختیم [تا از مردم بخواهد] خدا را پرستید و از طاغوت بپرهیزید" (نحل/36).

در این آیه رسالت رسولان را دور ساختن مردم از طاغوت در کنار دعوت به توحید معرفی نموده است. در این آیه نیز، با کنارهم قراردادن طاغوت زدایی و توحید، به اهمیت ضرورت آزادی انسان‌ها از طاغوت اشاره شده است. در واقع تحقق توحید به عنوان مهم‌ترین اصل در جامعه، در این آیه، مستلزم برداشته شدن مانعی به نام طاغوت است.

بنابراین، ایجاد سلطه بر مردم و از بین بردن آزادی آنان در زندگی جمعی بدلیل برخورداری از روحیه استکباری و گردنکشی است. در نتیجه می‌توان مستکبران را نیز در زمره موانع آزادی سیاسی دانست.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم مهم‌ترین کتاب هدایت و تحریف‌ناپذیر به عرصه‌های هدایت سیاسی نیز پرداخته است. قرآن کریم با تاسیس انسان‌شناسی قرآن بنیان، انسان‌شناسی متعالی و ویژه‌ای را معرفی می‌کند که بر همه دانش‌ها از جمله علوم سیاسی تأثیر می‌گذارد. قرآن کریم، به منزله کلام وحی و آخرین پیام الهی برای سعادت بشر، تأثیر و جایگاه مهمی در زندگی فردی و سیاسی بشر دارد. یکی از راه‌های تبیین این امر بررسی دیدگاه قرآن کریم در باب سیاست است تا بتوان پیام الهی را به درستی دریافت کرد و در زندگی سیاسی- اجتماعی خود به کار برد، این امر مستلزم آن است که روش‌های معطوف به دیدگاه‌شناسی قرآن کریم، در باب سیاست، مطالعه و استخراج شود. در این خصوص روش‌های متعارفی مطرح شد، که عبارتند از: مرجعیت قرآن، تفسیر ساختاری، حکومت سیاسی، قرآن و روابط سیاسی، اندیشه سیاسی و ... با توجه به بررسی‌های انجام شده در این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که قرآن کریم سرچشمه آغاز کلام سیاسی، اخلاق سیاسی، فقه سیاسی و ایجاد ادبیات سیاسی اسلامی است که با ایجاد مفاهیم و مسائل دانش‌های یاد شده صورت گرفته است گسترش‌های بعد از آن همگی مدیون هدایت سیاسی قرآن در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای وجودی انسان است.

منابع

قرآن کریم.

- 1) اکبری پوریانی، محمدمهدی و فرهادی، روح الله و ع شریه، رحمان، 1398، بررسی نقش شورا و اکثریت در اسلام از دیدگاه قرآن کریم، دومین کنگره بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و اسلامی، تهران.
- 2) امینی، ابراهیم، سیاست خارجی حکومت اسلامی، (موسسه انتشارات امیرکبیر، چ دوم، 1367).
- 3) بهشتی، سید محمدحسین، 1399، حکوم در اسلام، هدف حکومت، مکتب تشیع، شماره 3.
- 4) حسینی رامندی، سید علی اکبر. (1399). مرجعیت علمی قرآن با تأکید بر اندیشه‌های قرآن شناختی رشید رضا. مطالعات علوم قرآن، 2(1)، 35-63.
- 5) روشن ضمیر، محمد ابراهیم و ریحانی اسدآباد، علی، 1398، جایگاه منافع ملی در سیاست خارجی از منظر قرآن، فصلنامه سیاست متعالیه، 7(27).
- 6) شایسته، عبدالله و شعاعی، علی اصغر، 1397، جامعیت قرآن کریم در عصر سیاست، چهارمین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم.
- 7) طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، مترجم سید محمدباقر موسوی، دفتر انتشارات اسلامی.
- 8) الطبرسی، مجمع البیان، (موسسه الاعلمی، چ اول، 1415 هـ).
- 9) عسگری، اردشیر، 1396، تحلیل و بررسی مفهوم سیاست در ابعاد مختلف، دومین کنگره بین المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی، تهران.
- 10) علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه عبدالکریم نیری، (بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چ پنجم، 1370).
- 11) علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، مترجم سید محمدباقر موسوی، (دفتر انتشارات اسلامی، 1363).
- 12) فیروزمهر، محمدمهدی، 1398، مرجعیت علمی قرآن از نگاه استاد مطهری، فصلنامه مطالعات علوم قرآن، دوره 1، شماره 2.
- 13) قاسمی، محمد علی. (1400). مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی بر اساس لایه‌های وجودی انسان. دو فصلنامه علمی دین و دنیای معاصر، 8(1).
- 14) قاسمی، محمدعلی و بهروزی لک، غلام رضا، 1400، مبانی انسان شناختی مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی.

- (15) کیخواجه نژاد، ح. سین، 1394، جامعیت قرآن از دیدگاه شهید مطهری، کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی، شیراز.
- (16) محمد تقی شریعتی، خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت.
- (17) مرتضوی هشتروندی، سید محمود و تبریزی، علی، 1397، شاخصه های سیاست خارجی در حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن، ششمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران.
- (18) مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، (انتشارات صدرا، چ دوازدهم، 1368).
- (19) مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چ 24.
- (20) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، (دارالکتب الاسلامیه، چ بیستم، 1371).
- (21) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، (دارالکتب الاسلامیه، چ دوازدهم، 1373).
- (22) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، (دارالکتب الاسلامیه، چ هیجدهم، 1379).
- (23) ملکی، علی، 1398، رابطه دین و سیاست از دیدگاه شیعه امامیه با تاکید بر دکترین مهدویت و از منظر قرآن و روایات، فصلنامه پژوهش‌های معارف قرآنی، دوره: 10، شماره: 37.
- (24) موسوی، سید ذکی، 1399، رابطه‌ای دین و سیاست، دو فصلنامه در مسیر استنباط، دوره: 10، شماره: 1.
- (25) میجانی، فاطمه، 1395، بررسی مفهوم سیاست در اندیشه امام علی ابن ابیطالب، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی، خرم‌آباد.
- (26) میراحمدی، منصور، 1391، آزادی سیاسی در قرآن کریم. چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی. تهران.
- (27) میرجلیلی، علی محمد و زارع زردینی، احمد و زارع بیدکی، عباس، 1401، مطالعه تطبیقی رابطه دین و سیاست در اندیشه قرآنی علامه طباطبایی و سید قطب، دو فصلنامه کتاب‌قیم، دوره: 12، شماره: 26.
- (28) هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفهیم راهنما، (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ دوم، 1379).
- (29) هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفهیم راهنما، (مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ دوم، 1379).
- (30) واعظی، احمد، حکومت اسلامی، (سامیر، چ اول، 1380).